

درآمدی بر هنر ایرانی و اسلامی

□ معصومه عطایی

هنر مقوله‌ای است که در طول تاریخ و همواره در بستر حقیقت زیبایی جریا می‌گردد. و کسب و کار در هر عصری از دیدن عمومی بشر می‌داند که بهره‌ها و اشیاء (تیشها) به وسیلهٔ پیروان آرا و با نقاشی شدند.

از دیدگاه انسان، کلمهٔ دنیا به چه پست و به دور از روح است، اطلاق می‌گردد و آنچه حاصل و سرچشمه از حقیقت و زیبایی و خیر است، آخری نامیده می‌شود. هنر می‌کوشد به دنیا رنگ قداست بخشیده و به صورت آخری بیاراید، قداست شاخص توهتری صورت و مفهوم تقدس از آغاز است آدمی در آن و اندیشهٔ آن جای داشته است از آغاز حیات تا کنون، هنر پیوسته در داهان ادیان پرورش یافته و اوج و تعالی خود را پیموده و می‌پیماید. چنان مراسم مذاهب ابتدائی همراه با آرایشها، سرودها و رقصهای ویژه‌ای بوده است. برای مثال در فیتیشیسم که از ادیان ابتدائی بشر بوده

و کسب و کار در هر عصری از دیدن عمومی بشر می‌داند که بهره‌ها و اشیاء (تیشها) به وسیلهٔ پیروان آرا و با نقاشی شدند.

البته در طول تاریخ تفاوتی دربارهٔ پایه و اساس، جوهر و رنگ و صورت هنر بیان شده است. چنانکه یونانیان قدیم مابعدی هنر را زیبایی می‌دانستند و اعتقاد داشتند که رشتی جزء مصالح یک هنر نمی‌تواند باشد. یکی از نخستین استایش و باستان‌شناسی زنی بود و آن است از زیبایی و باستان‌شناسی و نظم هنر آنها، حتی امور معنی را نیز در کالبدی زیبا مجسم می‌کردند، چنانکه افلاطون می‌گفت: اگر حقیقت را به صورت زنی زیبا مجسم کنید، همهٔ مردم او را دوست خواهند داشت.

ارسطو نیز با این نظریه موافق بوده و همهٔ

انواع هنر را بر پایهٔ محاکات استوار می‌دانست. هنر سعی می‌کند تا به دنیا رنگ قداست بخشیده و آن را به صورت اخروی بیاراید. قداست شاخصهٔ جوهری ادیان است.

مفهوم تقدس از آغاز حیات آدمی در طبیعت و اندیشه او جایگاه ویژه‌ای دارد. از نظر او موسیقی محاکات طبیعت با نغمه و ایقاع (Rythme) درخته‌ها و حیوانات موافق سرشت بشری است. اساسی باشکل و رنگ و نور، و ادب و حفظ و تعقل، به تقلید از طبیعت می‌باشد. ارسطو محاکات را با «وسلیله» (موضوع «روشن») پییم‌بندی می‌کند:

الف - وسیلهٔ هدایت خاص هر هنر بحسب می‌کند، زیرا ابزار هر هنر سعی در تقلید از طبیعت است. مثلاً ابزار کلام نقاشی با موسیقی تفاوت دارد.

ب - موضوع: در نظر ارسطو هنر، تقلید از انسان با هماهنگی طبیعت است که خود بر سه قسم می‌باشد:

- ۱ - منطبق بر واقعیت، ۲ - برتر و آراسته‌تر از طبیعت ۳ - پست‌تر از واقعیت

ج - روشن: هنرها در روشن نیز با هم متفاوتند، ممکن است داستانی از زبان غیر نمایش داده شود یا داستان و عملی را توسط دیگری نمایش داد.

دیگر: در باره هنر ارائه شد تا اینکه در قرن ۱۸ میلادی هنر نمایشی در فرانسه ظهور زشتی نیز نمایش شد، آن زشتی بصورت یک اثر خلوه می‌باشد. این دیدگاه جوهرهٔ هنر را زیبایی می‌داند. شدت رواج یافت. زمینه ساز مکتب سوری و اگوست در قرن ۱۹ م گردید.

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، فرانسه مکتبی بنام «هنر برای هنر» پدید آمد و سرعت در هنر با ابزار بی‌تفاوت. این نظریه رفته از هنر بی‌اولیه‌اش توجه مطلق زیبایی را به نمایش گذاشت. هنر انفرادی بود، منحصر به فرد و عصبانی علیه اصول اخلاقی بود. در این وضعیت هنر تا سطح ابزار و وسیلهٔ اشباع غرایز پائین کشیده شد و توجیه‌گر مقاصد و گرایشهای فردی و غریزی گردید و مقیاسهای جزئی و فردی جانشین

شاخصه‌های کلی روح آدمی شد. در حالیکه از نظر بنیانگذار این مکتب مکنونات قلبی انسان به طور ذاتی به زیبایی و خیر گرایش داشت و بهره از مکتبی انسانی بهره می‌جست. از نظر

آنها وسیله احساس و عنصری شخصی بود که به ... می‌انجامد و به دریافتی عمومی و مشترک ... می‌یافت و خود مسیری ... شناخت ... با این تعبیر جوهره هنر، در جستجوی ... کشف ناشناختها و کمال انسان بود. در دوره انحراف مکتب «هنر بی هنر»، ذوق ... هدف فرار گرفت و این ... آغان ... و ابتذال این مکتب بود.

در این مقوله ... نظریه‌های مختلف درباره جوهره، هدفم بودن و غایت اندیشه ... است ... عدد انسانهایی که در ... میان خاک و خدا منزل دارند، هنر ... درجات است. بطور کلی در میان آراء نظری اختلاف بیشتر بر سر مصداق است نه مفهوم. چنانکه شخصی خود را چنان می‌آراید که زشت‌تر از آنچه هست می‌شود و دیگری با

آرایش خود زیبایی فزونتری در خود پدید می‌آورد.

آفرینندگی انسان دست اندرکار آفرینش آنها شده‌اند.

این دو در احساس و هدف مشترک هستند و اختلاف تنها در توفیق و عدم توفیق خدای هنری است که ربطی به ذات و جسم هنر ندارد.

در آغاز عنوان شد که هنر مقوله‌ای دینی است. در قرآن از هستی بنام علم غیب و شهادت یاد شده است. مذهب راهی است که انسان را از طبیعت

هنر دینی زینت را بستر حرکت هنر می‌داند و جوهره هنر در غایت و انگشت انسان به اصل خود رساند چنانکه در اکثر اساطیر، افسانه‌ها و داستانها بیشتر آثار هنری بر پای دین و دور ماندن از مادی و رنج غربت و آرزوی آسودگی است.

مادی به غایت غیب قدم گذاشت هنر نیز در پی آفرینش حقیقت، خیر و زیبایی عالم غیب در جهان طبیعت است به همین جهت که مذهب آرامش انسان را در این دنیا و دنیای آتی تأمین می‌کند، یعنی مذهب هماد توجه خدای به انسان است، حال آنکه هنر تلاش انسان برای دستیابی به غیب و آراستری انسان طبیعت بر اساس عالم غیب است. یعنی هنر نماد توجه انسان به خداوند است. این توجه زائیده از «کأ کشت» است که به شناخت و تحسین او منتهی می‌شود.

در تمام مذهب معبدهای زیبایی و پاکی و خدایان و قهرمانان رهنمای تولیدی وجود داشته‌اند، انسان توجه به وضعیت روانی خود در پی خلق آنها آمده است. در روانشناسی وقتی نیاز انسان برتری

شدت یافت و استمرار گرفت، اعتقاد به او و عینیت آن پدید خواهد آمد و خدایان یونان قدیم و اهوراهای پارسی و هندی از این گونه‌اند. نیازهای شدید و مجذوب کننده به اعجاز هنر و

نیازهای شدید و مجذوب کننده به اعجاز هنر و

جسد شوهرانشان در بخشهایی از هند و یا قربانی کردن دختران و فرزندان در معابد و رودخانه‌های مقدّس، مبتنی بر باورهای دینی و به خاطر حصول آرامش روانی انجام می‌گرفتند. است.

جانشینی خداوند است. با این حال شناخت این حقیقت که او زائیده طبیعت است و در آن رشد کرده اما جهتش به سوی ماوراء و هدفش بیرون از قواعد عالم خاکی است، بسیار حایز اهمیت است. مواد اولیه و استحکام خود را از عناصر طبیعت خداوند بر می‌گیرد. در بینش توهمی نیست که او را از او در قفس با عنوان خلیفه‌الله یاد می‌کنند. از طرف دیگر نیز امانت خداوند بر فرشتگان آدم و تجلی آفرینندگان اوست. می‌گوید:

بیاورم برفشانیم و ما را بساغر اندازیم
فلک سقف بشکونیم و طرحی نو دراکبازیم

طبیعت خداوند بر می‌گیرد. در بینش توهمی نیست که او را از او در قفس با عنوان خلیفه‌الله یاد می‌کنند. از طرف دیگر نیز امانت خداوند بر فرشتگان آدم و تجلی آفرینندگان اوست. می‌گوید:

هنر دینی زیبایی است حرکت می‌داند و جوهره هنر ریت در غربت و شگفتی است انسان به اصل خود می‌رسد. چنانکه در اساطیر افسانه‌ها، دانسته‌اند که هر چه از دور ماندن از اصل رنجش است. غربت و آرزوی پیوستن به رب‌النوع مشهود است.

کز نیستان تمام ما را بریده‌اند
از نطفه‌ی سرد و نالیده‌اند
بینه خاتم شرحی شرحه از فراق
تکلیف می‌شود در اشتیاق
همی که دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش
در وضعیت اضطراب، غربت و مجهول ماندن است که عشق به شناخته شدن، نیاز بزرگ انسان گشته و جاذبه کشف و استخراج

انسان تنها موجودی است که لایق

گنج مخفی - کنت کنزاً مخفیاً - او را شیفته خود می‌سازد. هنرمندی که در مسیر ذوق، حس، تفکر و شناخت به هماهنگی با طبیعت رسیده و

به دریافت قوانین و سنتهای هستی در حد ظرفیت و توان خود اهتمام می‌ورزد. او به تشبیه و استعاره، هنر را به سیرامون خود را مخاطب قرار داده و با آنها سخن می‌کند.

در زبان سمبولیک، هدهد - مناسلیمان و آب شناس و راهبر در جایگاه انسانی واقع شده و به سیرامون به جستجوی سیمرغ می‌پردازد. پس از گذر از مرحله‌های سیمرغ به

حقیقت می‌رسد. یعنی سیمرغ می‌رسند. و در جهان بینی عارفانه، حقیقت انسانی بیانی از حقیقت الهی می‌گردد.

هنر مسلمانان بررسی هنر مسلمانان و بالندگی آن در سینه‌های مختلف است. در هفتم میلادی - سرنوشت سیاسی و فرهنگی بسیاری از ملت‌های جهان را دگرگون کرد.

تأثیر جهان‌بینی و تعالیم متعالی اسلام، همچون بینش توحیدی و وحدت نوع بشر، میزان و عدالت در هستی، تقدس علم و قلم، ...

بر روی هنر مسلمانان به خوبی پیداست، دین و هنر از آبشخور واحدی سیراب می‌شدند، چرا که هر دو پاسخ به نیازهای متعالی انسان هستند.

بررسی هنر مسلمانان سه مقوله، مورد نظر قرار می‌گیرد:

۱- تأثیر دین بر هنر مسلمانان.
۲- روش‌های مختلف هنری در میان مسلمانان.

۳- نحوه پراکندگی سرزمینهای اسلامی پس از بررسی موضوع فوق مستفاد خواهد شد که آیا هنر مسلمانان هنر اسلامی است و یا اینکه هنر هر منطقه‌ای مسلمانان است یا نه؟

موضوع نخست خود به سه زیر مجموعه تقسیم می‌گردد:

۱- جهان‌بینی توحید: وحدانیت خالق و بی‌همتائی او.

۲- عدالت و هماهنگی و توازن در هستی. اهمیت آگاهی، علم، حکمت، دانش و قلم... از سوی دیگر با بررسی و دقت در هنر

اسلامی، چند اصل را می‌توان از آن انتزاع کرد:
۱- اشکال و تصاویر کروی در معماری و

نقش و ابزار.

اوج خود به وحدت و یگانگی می‌رسد و می‌توان
از آن به «وحدت در کثرت» تعبیر کرد.

۲- تقدس قلم و علم در اسلام، مسلمانان را

۲- پرهیز از محاکات یا تقلید از طبیعت سبوی تحقیق و تفکر علمی هدایت کرد.

بعنوان مخلوق خداوند.

چشم علم نجوم در سده نخستین اسلام در

میان مسلمانان در هر ملل متمدن

پیشرفت نمود. آنها به کروی بودن زمین و فضا

زودتر از ملل دیگر پی بردند. این علم در هنر

نیز تأثیر گذاشت، که تقریباً تمام رشته‌های

هنری اثری از این آموزه را می‌توان یافت: در

معماری، بناهای گنبدی شکل و مدور جای

بناهای مثلثی و زاویه‌دار در هندسه منتظره،

طرفهای کروی و نقوش گنبدی و زنجیره‌ای

متصل به هم در سقوفات، شمشیره‌های

قه‌س‌دار و پیرهای گرد در مقابل شمشیرها و

سکون مستطاب مسیحیان در آلات

موسیقی، تارو سه تار کروی و دایره زنگدار با

گنجهای کروی، در سماع صوفیه چرخ زدن و

گردش مدور سر و گردن و حرکات دایره‌ای و

بدون زاویه ...

۴- در رنگها نیز رنگ آبی و فیروزه‌ای شاید

۳- هماهنگی بین رنگ و کروی بودن فضا و زمین از نظر

علمی.

۴- رنگهای آبی و سبز در هنر

اسلامی

تأثیر جهان بینی و تفکر عظیم متعالی اسلام

همچون وحدت نوع بشر،

عدالت در همه امور و قلم بر

روی هنر مسلمانان به خوبی نشان است.

مقایسه و تأمل با معماری اسلامی در سایر کشورها

اسلامی نشان دهنده ارتباط تنگاتنگی در

میان آنهاست:

۱- تأثیر بینش توحیدی را در معماری

اسلامی می‌توان در شکل گنبد جستجو کرد.

شکل گنبد نمادی از مجموعه‌ای است که در

در توجه به آسمان و بخصوص در نیایشها بعنوان نمادی از غیب، مورد استفاده قرار گرفته باشند.

مهم این است که از ساختن ظروف بدون استعمال و صرفاً تجملی و نمایشی اجتناب شده است. یعنی این ظروف، با وجود تزئینات و کال و نقوش متعدد همگی موارد استفاده

موضوع دوم، رشته‌های مختلف هنری در میان مسلمانان:



به نظر می‌رسد که در میان مسلمانان معماری مساجد، چون در میان مسلمانان مساجد جزء مکان مقدس به ر می‌روند، بیشترین تلاش را در ساختن آنها شده است تا بر اساس پیام از مناسبات زیبا طراحی شوند. مسجد، بر نقش دینی از کارکرد اجتماعی و سیاسی نیز برخوردار بوده است. و این امر باعث آن افزوده است. البته از معماری مساجد به‌سبب بی‌مانند آرامگاه‌های ائمه و امامزادگان نیز یاد شود. تزئینات بناها نقش متفاوتی در میان مسلمانان در هنر اسلامی است. شایسته آن است که به جهت تحریم مجسمه سازی نقاشی در میان مسلمانان، استعداد هنرمند به سوی تنوع نقوش معطوف شده است.

رشته دیگر، صنایع مستظرفه است، نکته

نقوش کنده کاری شده و همچنین ظروف

معروف به کلابی با تکنیک خاصی در مراکز

سفال سازی مهم چون ری، کاشان، جرجان و

ایبور ساخته می‌شد.

تقدس و قلم در اسلام، مسلمانان را به

سوی تحلیف و تفکر علم هدایت کرد.

چنانکه علم مهم در سده نخستین اسلام در

میان مسلمانان گسترش یافت و ملل متمدن

پیشرفت نمود. آنها به کمال رسیدند و زمین و

فضا زودتر از ملت‌های غربی بر سر این

علم در هنر نیز تأثیر داشت که نتیجه آن در

تمام رشته‌های هنری اثرات عمیق و آموزه را

می‌توان یافت.

در دوره ساسانی، معماران نقاشی (نقش

نقش) را در معماری، فلزکاری و تزئینات

معماری بکار بردند که مرکز آنها تخت سلیمان

سلطان آباد و ورامین بود. همچنین مساجد،

قصرها، کاروانسراها و پل‌ها، قالی بافی، فلز

کاری، نقاشی و سفال‌سازی در شهرهای

مختلف گسترش یافت. در این دوره ساخت

مبحث سوم: شکل پراکندگی هنر اسلامی

در سرزمین‌های مختلف: در این بحث به اختصار

می‌توان گفت، در سده‌های آغازین اسلام، در

شرق سلسله‌های مستقل ایرانی پدید آمدند.

طاهریان، صفاریان، سامانیان و امویان

و در هر دوره نیز یک هنری و سبکی پدیدار

گشت. در دوره ساسانیان هنرهای مختلفی چون

سفال سازی، فلزکاری و معماری توسعه یافت و

شهرهای معروفی چون بخارا، سمرقند و

نیشابور مراکز مهم هنری گشتی بودند. ظروف

سفالین آنها با ابرو سفاف و تزئینات و

نوشته‌های کوچک همچنین با طرح گیاهان و

حیوانات متداول

صنعت فلزکاری نیز در شهرهای خراسان و

نواحی دریای خزر گسترش یافت. در دوره

سلجوقیان از درخشانترین دوره‌های صنایع

اسلامی محسوب می‌گردد. در آن دوره معماران

نیز به حد اعلای شکوفائی خود رسیدند.

در هنر سفال‌سازی، ظروف لعابدار یکرنگ و

رنگارنگ با نقوش قالب زده، طلائی و مینائی با

ظروف سفالین دیگری بنام آبی و سفید، کوپاچه و طلائی و رنگارنگ در کرمان، اصفهان، تبریز و حوزه فارس متداول گردید.

آداب و رسوم کشورهای گوناگون را بطرز حیرت‌انگیزی در جهت روشن و شخصی هدایت نماید. چیزی که بیش از همه در این

فعل و انفعال جهت ایجاد وحدت و پاسخ به جمیع مسائل زندگی قاطعیت داشت، قرآن بود.

انتشار فرهنگ و آداب و عادات در کشورهای عربی، پیوسته بوجود آوردن امام دنیای اسلام را به هم مرتبط ساخت و این مهمی در خلق هر نوع اثر هنری گردید.

آنچه در تزئین مساجد و بناها در سده‌های نخستین مسخره‌ها داشت، دوری از تضاد (Contrast) در کندن بناها بود. این مهمتر

اینکه در هیچ کجا نمی‌باید طرحی به تنهایی نظر بیننده را جلب کند بلکه بدنبال هم قرار گرفتن و در یک نقش نشان تاکید در برتری یکی بر دیگری، مخصوصاً در مساجد، توجه بود تا به

کمترین بتوان تأثیری کلی از یک اثر گرفت و چون کلی «پر کردن مطلق سطوح» به بهترین وجهی با این نظریه مطابقت داشت. □

در دوره صفوی، ظروف چینی معروف

آبی و سفید با طرح‌هایی چون ازدهان‌های شقایق و ابرها در مساجد و در

بازارها عرضه می‌شد. در آن بازار فلزکاری اشیائی مانند شمعان پایه بلند، شقی، بشقاب و کاسه با تزئینات مختلف آرایش می‌شد.

اما در قرن دوم هجری به بعد به دلیل تفاوت عصر جدید، در این هنرهای اسلامی گرفتار می‌شد و توجه به آثار هنری به شیوه جدید و مدرن در این هنرهای سنتی گردید.

ویژگیهای هنر اسلامی اشتراک در اعتقادات دینی در میان مسلمانان تأثیر قوی‌تر از آنچه در دنیا مسیحیان دارد،

بر فعالیت‌های فرهنگی آنان داشته است. اشتراک در مذهب باعث شد. تا بر روی اختلافات و سنن باستانی ملت‌های مسلمان پل بسته شود

و از فرار آن نه تنها علایق معنوی بلکه حتی